

Reflection on Determination of Blood Money in a Single Crime on Both Eyes of People with One Sighted Eye (Providing a Solution to Amend the Islamic Penal Code)

Amin Soleyman Kolvanaq⁻

Ph.D, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran

(Received: December 15, 2020; Accepted: March 13, 2021)

Abstract

In legislator's view the full blood money for two healthy eyes is proved. Regarding the blind eye, one-sixth of the full blood money is determined by the legislator. In the case of the healthy eye of individuals with one-sighted eye, a distinction has been made between congenital blindness and non-criminal blindness and blindness due to criminal causes. In the first case, full blood money and in the second case, half of the blood money have been determined by the legislator. The main question for which the present dissertation seeks to find an answer is how much blood money has to be proven if the healthy and blind eyes of a person are destroyed as a result of a single crime or if the blind eye and the eyesight benefit of the other eye are destroyed? The capacity of the Islamic Penal Code in this regard is to justify the verdict of one full blood money and one sixth of it based on Articles 588, 589 and 691 I. P. C. to the judges of the courts. Although in the view of the former jurists the issue has been neglected, the referendum of contemporary jurists shows the difference between them. In this regard, there are totally three opinions: 1. there is a group that dictate a full blood money for the sighted eye. Considering the blind eye, the same group is divided into two groups: some believe in the proof of the indemnity and some speak of the blood money of the unhealthy eye. 2. Some have voted for half of the blood money for the sighted eye and one third of it for the blind eye. 3. Some also consider the judicial decree of a full blood money as a precaution. The author also considers the judicial decree of a full blood money to be valid and obvious as the requirement of jurisprudential principles. Extracting and adjusting the due principles, the present study expresses the principles of fatwas and evaluates them. Through the synergy of the principles and ijihad method, this study strengthens the latter view. Also proposing amendments to articles of the Islamic Penal Code, it tries to provide the necessary arrangements for judges in courts to issue rulings in accordance with jurisprudential teachings.

Keywords: Blood Money, Eye, Eyesight Benefit, A person with One Healthy Eye, Crime.

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۳۶۳-۳۸۴ (مقاله پژوهشی)

تأملی در تعیین دیه، در جنایت واحد بر هر دو چشم افراد دارای یک چشم بینا (ارائه راهکار به منظور اصلاح قانون مجازات اسلامی)

امین سلیمان کلوانق*

دکتری تخصصی فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳)

چکیده

قانونگذار در دو چشم سالم دیه کامل را ثابت می‌داند. در خصوص چشم نابینا نیز قائل به یک ششم دیه کامل است و در خصوص چشم سالم افراد دارای یک چشم بینا، میان نابینایی مادرزادی و به علل غیرجنایی یا نابینایی به علل جنایی، تفاوت گذاشته است و در اولی قائل به دیه کامل و در دومی رأی به نصف دیه کامل داده است. مسئله اصلی که جستار حاضر در پی یافتن پاسخ آن است، این است که اگر در اثر جنایت واحد، چشم بینا و نابینای فرد از بین برود یا اینکه منفعت بینایی چشم و چشم نابینا از بین رود، چه مقدار دیه ثابت می‌شود؟ ظرفیت قانون مجازات اسلامی در این زمینه، تنها رأی به ثبوت یک دیه کامل و یک ششم دیه را مستند به مواد ۵۸۸، ۵۸۹ و ۶۹۱ ق.م.ا برای قضاات دادگاه‌ها وجیه می‌نماید. مسئله هرچند از نظر فقهای متقدم مغفول مانده، ولی استفتا از فقهای معاصر نشان از اختلاف میان آنان دارد و در این زمینه در مجموع سه نظر وجود دارد: ۱. گروهی برای چشم بینا یک دیه کامل و همین گروه در چشم نابینا دو دسته شده‌اند: برخی قائل به ثبوت ارش شده‌اند و برخی سخن از دیه چشم ناسالم می‌آورند؛ ۲. شماری نیز رأی به نصف دیه در چشم بینا و یک‌سوم دیه در چشم نابینا داده‌اند؛ ۳. برخی نیز حکم به یک دیه کامل را احتیاطی می‌دانند. نگارنده نیز حکم به یک دیه کامل را معتبر و مقتضای مبانی فقهی و معلوم‌الاعتبار می‌داند. پژوهش حاضر با استخراج و تنظیم مبانی وارده، به بیان مبانی فتاوا و ارزیابی آنها می‌پردازد و با هم‌افزایی مبانی، با روش اجتهادی، نظر اخیر را متقن می‌سازد و با پیشنهاد اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامی، سعی در تأمین تمهیدات لازم برای قضاات محاکم قضایی به منظور صدور احکام مطابق با آموزه‌های فقهی دارد.

واژگان کلیدی

دیه، چشم، منفعت بینایی، فرد دارای یک چشم سالم، جنایت.

۱. مقدمه

چشم، از اعضای جفتی بدن و بینایی، منفعت آن است. هریک از این دو در برخی موارد، موضوع جنایت واقع می‌شود، با این تفاوت که با از بین بردن چشم، زوال بینایی قطعی است و می‌توان گفت که در آوردن چشم مستلزم زوال بینایی است، اما با زوال بینایی، امکان بقای جرم چشم وجود دارد. چشم به اعتبار منفعتی بینایی که خدای متعال در آن نهادینه است، می‌تواند به دو نوع چشم سالم و چشم ناسالم تقسیم شود و هریک از این دو، ممکن است موضوع جنایت واقع شود. همچنین در اثر جنایتی ممکن است یکی از چشمان کنده شود، درحالی‌که فقط بینایی چشم دیگر از بین رود.

در خصوص دیه چشم و بینایی در مجموع چند حالت وجود دارد که به حکم هریک از حالات مستند به مواد قانونی اشاره می‌شود و در پایان چالشی که قضات آشنا با مبانی فقهی با آن روبه‌رو می‌شوند، تبیین خواهد شد.

۱. از بین بردن هریک از چشمان بینا: نصف دیه کامل (مستند به م. ۵۸۷ ق.م.ا).
۲. از بین بردن بینایی هر یک از دو چشم: نصف دیه کامل (مستند به م. ۶۸۹ ق.م.ا).
۳. از بین بردن هریک از چشمان نابینا: یک ششم دیه کامل (مستنداً به م. ۵۸۹ ق.م.ا).
۴. از بین بردن چشم بینای فردی که دارای یک چشم بیناست و چشم دیگرش نابینای مادرزادی یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد: دیه کامل (مستند به م. ۵۸۸ ق.م.ا).

-
۱. ماده ۵۸۷: «در آوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هریک از آنها نصف دیه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسان‌اند، هر چند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند.»
 ۲. ماده ۶۸۹: «از بین بردن بینایی هر دو چشم دیه کامل و از بین بردن بینایی یک چشم نصف دیه کامل دارد.»
 ۳. ماده ۵۸۹: «دیه در آوردن و یا از بین بردن هر چشمی که بینایی ندارد یک ششم دیه کامل است.»
 ۴. ماده ۵۸۸: «در آوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.»

۵. از بین بردن بینایی چشم فردی که دارای یک چشم بیناست و چشم دیگرش نابینای مادرزادی یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد: دیه کامل (مستند به م. ۶۹۱ ق.م.ا).^۱

۶. از بین بردن چشم بینای فردی که دارای یک چشم بیناست و چشم دیگرش در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه را داشته، از بین رفته باشد: نصف دیه کامل (مستند به م. ۵۸۸ ق.م.ا).

۷. از بین بردن بینایی چشم فردی که دارای یک چشم بیناست و چشم دیگرش در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه را داشته، از بین رفته باشد: نصف دیه کامل (مستند به م. ۶۹۱ ق.م.ا).

۲. طرح مسئله

در این میان دو سؤال اصلی که پژوهش حاضر در پی طرح مبانی فقهی و قانونی و احتمالات و نظرها در خصوص آن می‌باشد، این است که در صورت از بین رفتن دو چشم شخصی که یک چشمش نابینای مادرزادی است، چه مقدار دیه ثابت می‌شود؟ [این جنایت در دو حالت می‌تواند واقع شود؛ یکی اینکه هر دو چشم این فرد از حلقه درآید؛ دیگر اینکه، چشم ناسالم فرد مذکور از حلقه درآید و فقط بینایی چشم سالم فرد با بقای جرم چشم، از بین رود].

فقه‌های متقدم در منابع فقهی به مسئله مذکور نپرداخته‌اند و تنها از آرای فقه‌های معاصر می‌توان اطلاع یافت و استفتا از فقه‌های معاصر نیز نشان از وجود اختلاف در این زمینه دارد؛ گروهی برای چشم بینا یک دیه کامل و همین گروه در چشم نابینا دو دسته شده‌اند، برخی قائل به ثبوت ارزش هستند و برخی سخن از دیه چشم ناسالم می‌آورند و شماری نیز رأی به نصف دیه در چشم بینا و یک‌سوم دیه در چشم نابینا داده‌اند. برخی نیز حکم به

۱. ماده ۶۹۱: «از بین بردن بینایی چشم کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی بوده و یا در اثر علل غیرجنایی از بین رفته باشد، موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد، دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.»

یک دیه کامل را احتیاطی می‌دانند. فرضیه این است که رأی به یک دیه کامل در هر دو فرض منطقی و مطابق با ادله است.

به نظر نگارنده، موضع قانون‌گذار نیز در این زمینه با نظر اول سازگار است، به نحوی که نسبت به هر دو فرض، فقط حکم به یک دیه کامل (با استناد به م. ۵۸۸ یا م. ۶۹۱ ق.م.ا) و یک ششم دیه (مستند به م. ۵۸۹ ق.م.ا) را دارای وجهه قانونی می‌داند. ظرفیت قانون مجازات اسلامی، هیچ حکم دیگری را برای قاضی امکان‌پذیر نمی‌نماید. حکم مذکور در نظر اول با قاعده عدم تداخل مسیبات نیز سازگار است، اما باید مسئله را از منظر مبانی فقهی ناظر بر آن ارزیابی کرد تا پاسخ صحیح و منطقی به دست آید.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به نقل مستندات موجود در مسئله پرداخته و با هم‌افزایی مبانی، به ارزیابی آرای فقیهان می‌پردازد و در ادامه به منظور ارائه نظر متقن، قدم خواهد برداشت.

۳. مبانی فقهی ناظر بر مسئله

از آنجا که مسئله به هم‌زمانی جنایت وارده بر بینایی و چشم اشاره دارد، از این‌رو پاسخگویی به مسئله در گرو بررسی آرای فقیهان در مسئله و تحلیل مبانی وارده در دیه چشم و بینایی در فرد سالم و فرد دارای نقص بینایی است. از این‌رو ابتدا لازم است مبانی وارده در دیه چشم، دیه منفعت بینایی و دیه چشم و بینایی فردی که دارای یک چشم سالم است و بینایی چشم دیگرش را در اثر علل غیرجنایی از دست داده باشد، ارائه شود تا پاسخ مسئله از هم‌افزایی مبانی وارده و تحلیل آنها، روشن شود.

۳.۱. دیه چشم

در دو چشم، میان فقها اتفاق است که دیه کامل ثابت می‌شود و در یکی از آن دو نصف دیه کامل ثابت است (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲: ۴۳۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵: ۴۰۴؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ۳۵۰؛ خمینی موسوی، بی تا، ج ۲: ۵۷۲) مستند این حکم روایاتی است که در این زمینه وارد شده است.

۳. ۱. ۱. روایت عبدالله بن سنان از امام صادق(ع)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) «قال: ما كان في الجسد منه اثنان ففيه نصف الدية مثل اليدين والعينين» قال: قلت: رجل فُقِئت عينه؟ «قال: نصف الدية الخ» (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۱۵). «عبدالله بن سنان از امام صادق(ع) نقل می کند که ایشان می فرمایند: هر آنچه در بدن انسان دوتایی باشد، در آن نصف دیه ثابت است مانند دو دست و دو چشم. می فرماید که به حضرت عرض کردم در چشم مردی کنده می شود؟ فرمودند: نصف دیه کامل ثابت است.»^۱

۳. ۱. ۲. روایت حلبی از امام صادق(ع)

«عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): فِي الرَّجُلِ يَكْسِرُ ظَهْرَهُ «قال: فيه الدية كاملة، و في العينين الدية، و في إحداهما نصف الدية الخ.» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۲۴۵)؛ «حلبی از امام صادق(ع) نقل می کند که ایشان فرمودند: «در مردی که کمرش می شکند دیه کامل در آن ثابت است، و در دو چشم دیه کامل ثابت است و در یکی از آن دو نصف دیه ثابت است.»^۲

۳. ۱. ۳. روایت سماعه

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتَهُ عَنِ الْيَدِ «قال: نصف الدية و العين الواحدة نصف الدية.» ؛ «سماعه می گوید از معصوم(ع) در مورد دست سؤال

۱. از روایت مذکور تحت عنوان حسنه یاد شده است (حسینی عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵: ۴۰۲؛ عمانی، ۱۴۱۳ق:

۵۴۱)، البته برخی هم از آن تحت عنوان صحیح یاد کرده اند (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۹: ۱۷۳).

مشابه مضمون روایت موجود در متن، روایت هشام بن سالم از امام صادق(ع) است که در آن آمده است: «الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: كُلُّ مَا كَانَ فِي الْإِنْسَانِ اثْنَانِ فَفِيهِمَا الدِّيَةُ وَ فِي أَحَدِهِمَا نِصْفُ الدِّيَةِ وَ مَا كَانَ وَاحِدًا فَفِيهِ الدِّيَةُ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹: ۲۸۷؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶: ۵۵۵).

۲. روایت مزبور نیز بنا بر تعبیر برخی حسن (مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴: ۸۸) و بنا بر تعبیر برخی دیگر صحیح است (حسینی عاملی، بی تا، ج ۱۰: ۴۳۴).

کردم، فرمود که نصف دیه ثابت است ... در یکی از دو چشم نصف دیه کامل ثابت آنچه از روایت وارده برمی‌آید این است که در دو چشم مرد، دیه کامل ثابت است و در از بین بردن یکی از آن دو، نصف دیه کامل ثابت است.

۲.۳. دیه منفعت بینایی

در از بین رفتن منفعت بینایی هر دو چشم اجماع وجود دارد که اگر به‌طور کامل از بین رود، دیه کامل ثابت می‌شود و در صورتی که بینایی یکی از دو چشم زایل شود، نصف دیه کامل ثابت می‌شود (حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۶: ۳۱۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۵۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۴۳۴). ادله وارده در این زمینه عبارت‌اند از:

۳. ۲. ۱. روایت ابراهیم بن عمر

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رَجُلٍ ضَرَبَ رَجُلًا بَعْضًا فَذَهَبَ سَمْعُهُ وَبَصَرُهُ وَلسانُهُ وَعقلُهُ وَفَرْجُهُ وَانْقَطَعَ جَمَاعُهُ وَهُوَ حَيٌّ بَسْتِ دِيَاتٍ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹: ۳۶۵)؛ «امیرالمؤمنین (ع) در خصوص مردی که به مرد دیگر با عصا ضربه زد و شنوایی و بینایی و زبان و عقل و فرج و قدرت مقاربت وی از بین رفت، درحالی که مرد زنده بود، به شش دیه حکم داد.»^۲

۳. ۲. ۲. روایت محمد بن قیس از امام باقر (ع)

صحيحه شيخ صدوق عن عاصم بن حميد، عن محمد بن قيس، عن أبي جعفر عليه السلام قال: «ضرب رجل رجلاً في هامته على عهد أمير المؤمنين عليه السلام فادعى المضروب أنه لا يبصر بعينه شيئاً وأنه لا يشم رائحةً وأنه قد خرس فلا ينطق فقال أمير المؤمنين عليه

۱. گفته شده که روایت مزبور موثق است (مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰: ۳۹۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶: ۵۲۴).

۲. گفته شده که روایت فوق حسن (محقق حلی، بی‌تا، ج ۲: ۶۶۵؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴: ۱۱۴) و معتبر است (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱۰: ۴۵۶).

السلام: إن كان صادقاً فقد وجبت له ثلاث ديات النفس.» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۹)؛ روایتی که می‌فرماید: «در زمان امیرالمؤمنین (ع)، مردی بر سر مرد دیگری ضربه زد و مجنی‌علیه ادعا کرد که با چشمانش چیزی نمی‌بیند و بویی حس نمی‌کند و اینکه لال شده است و تکلم نمی‌کند، امیرالمؤمنین (ع) فرمودند که اگر وی راست بگوید، سه دیه کامل بر وی واجب می‌شود.»^۱

۳. ۲. ۳. معتبره ظریف

المعتبره من کتاب ظریف: «... و الضوء كله من العينين ألف دينار الخ.» (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۹ق، ج ۳۱: ۵۱۴)؛ «در بینایی به نحو کامل از هر دو چشم، هزار دینار ثابت است.»
برایند ادله این است که در زوال بینایی به طور کامل دیه کامل ثابت است، اما اینکه فقها توزیع دیه بینایی را به اعتبار چشم انجام داده‌اند، محل تأمل است^۲، البته پرداختن به آن معاضدتی در پاسخ به مسئله پژوهش حاضر ندارد.

۳. ۲. ۳. ۱. دیه بینایی و دو چشم فرد دارای یک چشم سالم

۳. ۲. ۳. ۱. ۱. دیه چشم سالم و تفکیک در حکم، میان نابینایی به علل جنایی و غیرجنایی
دیه چشم بینای شخص اعور، در صورتی که نابینایی اش به سبب مادرزادی یا غیر جنایت باشد، دیه کامل است، اما در صورتی که به سبب جنایت موجب دیه باشد، نصف دیه کامل خواهد بود و فرقی میان اخذ دیه و عدم آن وجود ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۴۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵: ۴۰۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۳۶۳؛ جزائری، بی تا: ۱۰۴؛ نجفی،

۱. به لحاظ سندی اشکالی در روایت نیست و از آن تحت عنوان صحیح یاد می‌شود (تبریزی، ۱۴۲۸ق: ۲۵۴).
۲. در خصوص وجه تأمل شایان ذکر است، روشن است که میان چشم و منفعت بینایی تفاوت است [هرچند که در همزمانی جنایت موجب زوال هر دو، تنها یک دیه کامل ثابت می‌شود] و روایات وارده در مقام تعیین دیه منفعت بینایی، اشاره‌ای به توزیع دیه بینایی به اعتبار جرم چشم نداده‌اند، بلکه دیه کامل بر مجموع بینایی تعلق گرفته است و مؤید بر آن، روایاتی است که دیه اعور را دیه کامل می‌داند (و این حکم استثنایی نبوده بلکه مطابق قاعده است) و این دیه چشم است که بر جفت آن توزیع می‌شود.

۴۳: ۱۸۴؛ مغنیه، ۴۲۱: ۳۵۰؛ خوانساری، ۴۰۵: ۶: ۲۲۰). همچنین است در صورتی که چشم خود را در اثر قصاص از دست داده باشد (خمینی موسوی، بی‌تا، ج ۲: ۵۷۲؛ نجفی، ۴۰۴: ۴۳: ۱۸۴). با اینکه بسیاری از فقیهان به این مطلب اشاره نداشته‌اند، ولی به گفته مرحوم صاحب جواهر، در معقد اجماعی که صاحب الخلاف و الغنیه ادعا کرده‌اند، مندرج است (نجفی، ۴۰۴: ۴۳: ۱۸۴).

۳. ۲. ۱. ۲. روایت محمد بن قیس از امام باقر(ع)

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ فِي رَجُلٍ أَعْوَرَ أُصِيبَتْ عَيْنُهُ الصَّحِيحَةَ فَقُتِلَتْ أَنْ تَفْقَأَ إِحْدَى عَيْنَيْ صَاحِبِهِ وَ يُعْقَلُ لَهُ نَصْفُ الدِّيَةِ وَ إِنْ شَاءَ أَخَذَ دِيَةَ كَامِلَةً وَ يُعْفَى عَنْ عَيْنِ صَاحِبِهِ. (کلینی، ۴۰۷: ۷: ۳۱۷)؛ «در خصوص مردی که دارای یک چشم بود و چشم بینایش مورد صدمه واقع می‌شود و در اثر آن، از جا کنده می‌شود، امیرالمؤمنین(ع) حکم داد که یک چشم جانی از جا کنده شود و باید نصف دیه کامل را به مجنی‌علیه بپردازد و اگر مجنی‌علیه بخواهد می‌تواند دیه کامل بگیرد و از قصاص چشم بینای جانی گذشت شود.»^۱

۳. ۲. ۱. ۳. روایت ابو بصیر از امام صادق(ع)

«مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِي عَيْنِ الْأَعْوَرَ الدِّيَةُ.» (کلینی، ۴۰۷: ۷: ۳۱۷)؛ «در خصوص چشم فردی که دارای یک چشم سالم است، یک دیه کامل ثابت می‌شود.»^۲ مشابه مضمون همین روایت با تفاوت در سند نیز وارد شده است.^۳

۱. این روایت نیز صحیح است (مجلسی اول، ۴۰۶: ۱۰: ۳۸۳).

۲. روایت مزبور صحیح‌السند است (مجلسی اول، ۴۰۶: ۱۰: ۳۸۴؛ مجلسی دوم، ۴۰۶: ۱۶: ۵۷۹).

۳. «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: فِي عَيْنِ الْأَعْوَرَ الدِّيَةُ كَامِلَةً.» (کلینی، ۴۰۷: ۷: ۳۱۸).

منظور از عین در روایت اخیر به قرینه روایت عبدالله بن جعفر عن ابی عبدالله، چشم بیناست.^۱

۳. ۲. ۳. ۱. ۴. روایت عبدالله بن حکم از امام صادق(ع)

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَرْمَنِِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ صَحِيحٍ فَقَالَ عَيْنَ رَجُلٍ أُغْوَرَ فَقَالَ عَلَيْهِ الدِّيَةُ كَامِلَةٌ فَإِنْ شَاءَ الَّذِي فُقِّتَتْ عَيْنُهُ أَنْ يَتَّصَّ مِنْ صَاحِبِهِ وَيَأْخُذَ مِنْهُ خَمْسَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ فَعَلَّ لِأَنَّ لَهُ الدِّيَةَ كَامِلَةً وَقَدْ أَخَذَ نِصْفَهَا بِالْقِصَاصِ.» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰: ۲۶۹)؛ «در مورد فردی بینا که چشم بینای فردی را که دارای یک چشم بینا بود، درآورده بود، از محضر امام صادق(ع) سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمودند: یک دیه کامل ثابت می‌شود و اگر مجنی‌علیه بخواهد می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و پنج هزار درهم بگیرد زیرا برای چشم اعور یک دیه کامل ثابت است و نصف آن را با قصاص دریافت کرده است.»^۲

مُستنبط از روایات مذکور این است که در از بین رفتن چشم سالم فردی که دارای یک چشم سالم است، دیه کامل ثابت است. اما اینکه چرا باید میان نابینایی مادرزادی و نابینایی در اثر قصاص با نابینایی به علل جنایی، تفاوت قائل شد، درحالی که در روایتی که در مقام تعیین دیه چشم بینای شخص دارای یک چشم سالم است، تقییدی وجود ندارد و در این میان روایتی هم وجود ندارد که مقید آن روایت باشد (تبریزی، ۱۴۲۸ق: ۱۳۶) و روایاتی که در مقام تعیین دیه این مورد هستند، به‌طور مطلق وارد شده‌اند.

پاسخ این است در صورتی که در اثر جنایت موجب دیه یا قصاص از بین رفته باشد،

۱. روایت عبدالله بن ابی جعفر، عن ابی عبدالله علیه السلام: فی العین العوراء تكون قائمه فتخسف؟ فقال: «قضی فیها علی بن ابی طالب علیه السلام نصف الدیه فی العین الصحیحة».

۲. روایت مذکور ضعیف است (مجلسی دوم، ۱۴۰۶ق، ج ۱۶: ۵۷۷)، ولی با توجه به دیگر روایات صحیح‌السندی که وجود دارد، موجبی برای خدشه در استدلال نگارنده محسوب نمی‌شود.

در صورتی که دیه را دریافت کرده باشد یا عفو کرده باشد یا اینکه قصاص انجام داده باشد، در این صورت با اخذ دیه یا قصاص، عوض را در دنیا دریافت کرده است و یا اینکه به واسطه عفو در آخرت عوض آن را دریافت خواهد کرد و فقط نصف دیه را استحقاق خواهد داشت (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۳۶۴). به طور کلی می‌توان گفت که قبلاً استحقاق دیه را داشته است، پس عوض دیگری را استحقاق نخواهد داشت. البته این احتمال هم وجود دارد که «اعور» اختصاص به کسی داشته باشد که مادرزادی فقط یک چشم دارد و آنچه به سبب آفتی سماوی (غیرجنایی) از بین رفته باشد، بنابر قیاس ملحق به مادرزاد شود (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۳۶۴).

اما اینکه چرا در چشم بینای فردی که یک چشمش به علل غیرجنایی از بین رفته است دیه کامل ثابت است؟! باید گفت علاوه بر اینکه در این زمینه نص وجود دارد و روایت دیه کامل را ثابت می‌داند، می‌توان افزون بر آن به این کیفیت نیز استدلال کرد که روایات دال بر ثبوت دیه کامل در بینایی، سخنی از بینایی یک چشم یا دو چشم به میان نیاورده‌اند و این حاکی از تعلق دیه کامل بر اصل بینایی است. حال ممکن است که چشمان فرد از ضعف شدید بینایی هم برخوردار باشند. مطابق با این استدلال می‌توان گفت که اگر شارع مقدس مشخص هم نمی‌کرد که در چشم فردی که بینایی‌اش را به سبب علل غیرجنایی از دست داده، دیه کامل ثابت است، باز هم از روایات دال بر ثبوت دیه در بینایی همین مطلب برداشت می‌شد.

برخی نیز با تعبیری متفاوت، که دلیل کامل بودن دیه چشم سالم را در این می‌دانند که یک چشم سالم، به منزله دو چشم است و دیه آن هم دیه دو چشم خواهد بود (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۰) و تقیید حکم دیه کامل در بیان قول مشهور^۱، به حالتی که نابینایی چشم دیگر فرد، مادرزادی یا به سبب غیرجنایی است، به این دلیل است که در غیر این حالت، چشم واحد به منزله دو چشم نخواهد بود و معلوم نیست که نصوص متعرض حکم

۱. نقل از تبریزی، ۱۴۲۸ق: ۱۳۶؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲: ۳۴۲.

دیه کامل، به موردی که نابینایی مادرزادی یا سبب غیرجنایی وجود ندارد، انصراف داشته باشند^۱، جدا از اینکه در اصل تقیید اختلافی نیست (خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۶: ۲۲۰). و دیه چشم بینی فردی که چشم نابینایش در اثر جنایت یا قصاص از بین رفته است، نصف دیه کامل است و دلیل آن هم این است که روایات دال بر تعلق دیه کامل در هریک از دو چشم، شامل این مورد نیز می‌شوند (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۰).

۳.۳. دیه چشم نابینا

۳.۳.۱. روایت ابو بصیر از امام باقر(ع)

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ آلِ زُرَّارَةَ عَنْ رَجُلٍ قَطَعَ لِسَانَ رَجُلٍ أُخْرَسَ [قَالَ] فَقَالَ إِنْ كَانَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَ هُوَ أُخْرَسٌ فَعَلَيْهِ ثُلُثُ الدِّيَةِ وَ إِنْ كَانَ لِسَانُهُ ذَهَبَ بِهِ وَ جَعَّ أَوْ أَفَةٌ بَعْدَ مَا كَانَ يَتَكَلَّمُ فَإِنَّ عَلِيَّ الَّذِي قَطَعَ لِسَانَهُ ثُلُثُ دِيَّةِ لِسَانِهِ قَالَ وَ كَذَلِكَ الْقَضَاءُ فِي الْعَيْنَيْنِ وَ الْجَوَارِحِ قَالَ هَكَذَا وَ جَدَّنَاهُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ (ع)»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۱۸).

از پاسخ امام باقر(ع) روشن است که ایشان در قلع چشم نابینا، حکم هب یک سوم دیه کامل می‌داد. مطابق با این روایت در از بین بردن هر دو چشم نابینا یک سوم دیه کامل ثابت می‌شود و این حکم مقتضی این است که در از بین بردن یکی از دو چشم نابینا، نصف یک سوم دیه (یک ششم دیه کامل) ثابت می‌شود.

۳.۳.۲. روایت برید بن معاویه از امام باقر(ع)

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي

۱. این استدلال در مقام پاسخ به این توهم است که روایات، دلالت بر تعلق دیه کامل در منفعت بینایی افراد دارای

یک چشم نابینا دارند و فرقی نمی‌کند که نابینایی در اثر علل جنایی و قصاص باشد یا علل غیرجنایی و مادرزادی.

۲. اشکالی در سند روایت نیست.

جَعْفَرِ ع قَالَ: فِي لِسَانِ الْأُخْرَسِ وَعَيْنِ الْأَعْمَى وَذَكَرِ الْخَصِيَّ وَأَثْبَيْتَهُ ثُلُثَ الدِّيَةِ. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۳۱۸)؛ «امام باقر(ع) می‌فرماید: در زبان شخص لال و چشم فرد نابینا و ... یک سوم دیه ثابت است.»^۱

با توجه به سایر روایات وارده، حکمی که از روایت مذکور مستفاد است، یک سوم دیه در هر دو چشم فرد نابیناست نه فقط در یک چشم نابینا.

در از بین بردن چشم نابینا مستند به این دو روایت گفته می‌شود که یک سوم دیه ثابت است. البته در خصوص نابینای مادرزادی و عارضی، احتمال تفاوت داده شده است، تنها مستمک این احتمال مضمونی است که شیخ صدوق آن را در من لا یحضره الفقیه نقل می‌کند^۲ که آن هم در خصوص زبان وارد شده است^۳، حتی در دیه زبان فرد لال نیز این روایت نزد مشهور فقیهان اعتباری ندارد. البته یافتن پاسخ این پرسش که مجال وسیع و مستقلاً را می‌طلبد، علاوه بر این همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، از آنجا که بحث در همزمانی جنایت بر چشم ناسالم و سالم است، مفید در مقام نیست. البته در ادامه به یافتن پاسخ این پرسش خواهیم پرداخت که از آنجا که بحث در همزمانی جنایت بر چشم ناسالم و سالم است، مفید در مقام نیست.

۴. موضع قانون مجازات اسلامی

با توجه به اینکه منفعت بینایی در تعیین میزان دیه چشم مؤثر است، از این رو در ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی آمده است: «دیه در آوردن و یا از بین بردن هر چشمی که بینایی

۱. خدش‌های نسبت به سند روایت وارد نبود و با عنوان «صحیح» از آن یاد شده است (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۶).

۲. رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَأَلَهُ بَعْضُ آلِ زُرَّارَةَ عَنْ رَجُلٍ قَطَعَ لِسَانَ رَجُلٍ أُخْرَسَ فَقَالَ إِنْ كَانَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَهُوَ أُخْرَسٌ فَعَلَيْهِ الدِّيَةُ ۴ وَإِنْ كَانَ لِسَانُهُ ذَهَبَ بَوَجَعٍ أَوْ أَفَةٌ بَعْدَ مَا كَانَ يَتَكَلَّمُ فَإِنَّ عَلَى الَّذِي قَطَعَ ثُلُثَ دِيَةِ لِسَانِهِ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۱۶۸).

۳. استدلال به آن نیاز به تنقیح مناط دارد.

ندارد یک‌ششم دیه کامل است». در حالی که قانونگذار در خصوص چشمی که منفعت بینایی دارد، در ماده ۵۸۷ ق.م.ا آورده است: «در آوردن و یا از بین بردن دو چشم بینا دیه کامل و هریک از آنها نصف دیه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند در این حکم یکسان‌اند هر چند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند». قانونگذار در این میان مستنداً به فتاویٰ فقها که منبعث از روایات وارده از معصومین (ع) در مسئله است، در تعیین دیه چشم سالم فردی که دارای یک چشم سالم است، در ماده ۵۸۸ ق.م.ا مقرر داشته است که «در آوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیر جنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.»

موضع قانونگذار در فرضی که جانی هر دو چشم مجنی‌علیه را از بین می‌برد یا بینایی چشم سالم را به همراه قلع چشم نابینا، زایل گرداند. با این چالش مواجه می‌شود که آیا ماده ۵۸۷ حاکم است یا مواد ۵۸۸ و ۵۸۹؟!

اما با توجه به اینکه حکم م. ۵۸۷ در چشم بیناست، از این رو نمی‌توان با استناد به آن رأی به ثبوت دیه کامل داد. ولی ظاهر این دو م. ۵۸۸ و ۵۸۹ نشان از امکان استناد به آنها در مسئله پژوهش حاضر دارد.

۵. آرای فقیهان در مسئله

با توجه به اینکه این مسئله در کتاب‌های فقهی یافت نشد، از این رو تنها راه اطلاع از آرای فقیهان در مسئله، استفتا از فقهای عظیم‌الشأن بود.^۱

طرح سؤال از مراجع معظم به این نحو بود که «اگر فردی که دارای یک چشم سالم است و چشم دیگرش نابینای مادرزادی است، مورد جنایت واقع شود. ۱. در فرضی که

۱. دفاتر حضرات آیات عظام حسینی خامنه‌ای و نوری همدانی به سبب قضایی بودن استفتا، پاسخ ندادند.

جانی، هر دو چشم این فرد را از حدقه درآورد چه مقدار دیه ثابت می‌شود؟^۲ در فرضی هم که جانی، چشم ناسالم فرد مذکور را از حدقه درآورد و فقط بینایی چشم سالم همین فرد را با بقاء جرم چشم، از بین ببرد چه مقدار دیه ثابت می‌شود؟» در خصوص پرسش مذکور پاسخ‌های مختلفی در فتاوی فقیهان ارائه شده است که عین فتاوا نقل می‌شود.^۱

۵. ۱. یک دیه کامل و یک سوم دیه

یک دیه کامل و یک سوم دیه: «در جنایت به چشم سالم و اعور مادرزادی، دیه کامل لازم است و نسبت به جنایت قلع چشمی که نابیناست یک سوم دیه ثابت می‌شود» (آیت الله العظمی صافی گلپایگانی). برخی نیز مشابه همین مطلب فرمودند که «در هر دو حال، دیه چشم سالم و دیه - یا ارش - زخمی که در چشم نابینا ایجاد شده، بر عهده اوست» (آیت الله العظمی شبیری زنجانی) که این دو فتوا حکایت از ثبوت بیش از یک دیه کامل نزد ایشان دارد.

۵. ۱. ۱. ارزیابی

در تفسیر نظر مذکور به منظور تصحیح حکم به ثبوت یک سوم دیه در چشم ناسالم با مبانی وارده، باید گفت که منظور یک سوم دیه یک چشم است که معادل یک ششم دیه کامل می‌شود. اما با وجود تصحیح برداشت، این مطلب به ذهن می‌رسد که فتوای مذکور در حالتی که جنایت، متعدد باشد و جیه می‌نماید، اما در حالتی که در اثر جنایت واحد مانند تصادف، اتفاق افتد، با یک اشکال اساسی مواجه است و آن هم اینکه همان گونه که بیان شد، شارع اقدس در از بین رفتن دو چشم بینا به طور کامل، فقط حکم به یک دیه کامل داده است. پس چطور می‌شود که در از بین رفتن یک چشم بینا و یک چشم نابینا بیشتر از یک دیه کامل ثابت شود. در خصوص فتوای آیت الله شبیری نیز همین مطلب وارد است.

۱. گفتنی است که در شماری از فتاوا پاسخ هر دو پرسش در یک عبارت داده شده است و محتمل است که علت آن اتحاد مبنای پاسخ به هر دو پرسش، در نظر فتوادهنده است.

البته این احتمال هم وجود دارد که سخن ایشان به سبب اختلاف مبنايي باشد، یعنی مطلبی مشابه احتمالی که مرحوم محقق اردبیلی بیان کرده‌اند. ایشان در خصوص جنایتی که حدقه چشم را از کاسه درآورند می‌فرمایند که دو احتمال وجود دارد: اولی یک دیه کامل و ارش؛ اگر جانی چشم کسی را از حدقه خارج کرد برای از بین رفتن بینایی یک دیه باید پردازد و برای در آوردن چشم از جای خودش باید ارش پردازد؛ دیگری اینکه جانی دو دیه بدهکار است یکی برای عضو و دیگری برای منفعت (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۴۳۵).

۵. ۱. ۲. نصف دیه کامل و یک سوم دیه

نصف دیه کامل و یک سوم دیه: ۱. در مورد چشم سالم باید نصف دیه داده شود و در مورد چشم ناسالم باید یک سوم دیه داده شود. ۲. در مورد چشم ناسالم باید یک سوم دیه داده شود و در مورد چشم سالم که بینایی آن را از بین برده است، نصف دیه داده شود (آیت‌الله العظمی علوی گرگانی).

۵. ۱. ۲. ۱. ارزیابی

در خصوص فتوای مذکور در مورد چشم سالم باید گفت که حکم مذکور برای حالتی است که نابینایی چشم دیگر در اثر قصاص یا به علل جنایی از بین رفته باشد، و الا همه فقها اتفاق دارند که در از بین رفتن چشم بینای کسی که فقط یک چشم سالم دارد، و چشم دیگرش در اثر علل غیرجنایی یا مادرزادی از بین رفته باشد، دیه کامل ثابت است (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳: ۱۸۴). اما به منظور توجیه کلام ایشان در مورد چشم ناسالم نیز باید گفت که منظور ایشان یک سوم دیه یک چشم است که همان یک ششم دیه کامل می‌شود.

۵. ۱. ۳. یک دیه کامل

اگرچه این حکم را برخی بنابر احتیاط واجب می‌دانند (آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی)، نگارنده آن را منطبق با مبانی و معلوم‌الاعتبار می‌داند.

۵. ۱. ۳. ۱. ارزیابی

در خصوص نظر مذکور باید گفت که این فتوا با نظر نگارنده نیز موافق است و به نظر می‌رسد با مبانی فقهی سازگار باشد، اما با توجه به اینکه اطلاعی از استدلال ایشان در دست نیست، از این رو در ادامه مبانی استدلالی این فتوا پایه‌گذاری می‌شود.

۶. بهره‌گیری از مبانی وارده در تقریب استدلال

در جنایت بر بینایی و چشم به‌طور همزمان اگرچه برخی فقیهان احتمال تعلق دو دیه یا دیه و ارش را داده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴: ۴۳۵)، برداشت نگارنده از ادله این است که نظر شارع اقدس قائل به تداخل دیه است و این مطلب از روایات وارده در ثبوت حکم به یک دیه کامل در قلع چشم که در بخش مبانی دیه چشم به آن اشاره شد، آشکار است و فقها هم طبق همین روایات فتوا داده‌اند. تقریب استدلال با این کیفیت که با قلع و در آوردن چشم، بی‌شک بینایی نیز از بین می‌رود. البته باید دقت داشت که تعلق دیه واحد، برای جایی است که اولاً جانی واحد باشد، و الا اگر جانی متعدد باشد و یکی بینایی و دیگری چشم نابینا را از حدقه درآورد، هر کدام به دیه جنایتی که وارد آورده است، محکوم می‌شود و ثانیاً اینکه جنایت واحد باشد، و الا اگر یک نفر در اثر جنایت‌های متعددی جنایتی به بینایی یا چشم شخص وارد آورد، در صورتی که دیه جنایت اول را پرداخت کرده باشد، در مرتبه بعدی به دیه جنایتی که وارد کرده است، محکوم خواهد شد.

با توجه به توضیحات مذکور روشن می‌شود که در فرض در آوردن همزمان چشم سالم و چشم ناسالم، فقط حکم به یک دیه کامل شود. در تقویت این نظر می‌توان گفت اگر کسی دو چشم بینای دیگری را از بین ببرد، به یک دیه کامل محکوم می‌شود، حال چطور می‌شود که با درآوردن یک چشم سالم و یک چشم نابینا محکوم به بیشتر از یک دیه کامل شود.

اما در خصوص قلع یک چشم و زائل کردن منفعت بینایی چشم دیگر، با وجود بقای چشم باید متذکر شد که وقتی در قلع دو چشم بینا فقط یک دیه کامل ثابت است، به طریق اولی در چنین موردی نیز نمی‌تواند بیشتر از یک دیه کامل ثابت شود. همچنین ادله ناظر بر مسئله، کمتر از یک دیه کامل را نیز منطقی نمی‌داند.

۷. نتیجه و پیشنهاد

مبانی وارده در دیه چشم حکایت از این دارد که در از بین بردن دو چشم دیه کامل ثابت است و با معاضدت روایات وارده در تعلق یک‌سوم دیه برای چشمان نابینا، روشن شد که شمول ادله دال بر دیه کامل برای جایی است که دو چشم بینا از بین رود و همین مطلب در ماده ۵۸۷ ق.م.ا نیز آمده است. همچنین تبیین شد که در چشم نابینا اگر موجب جنایت واقع شود، یک‌سوم دیه چشم سالم در آن ثابت است، اما در صورتی که چشم بینای فرد دارای یک چشم سالم در اثر جنایت از بین رود، باید میان فردی که نابینایی چشمش به علل جنایی است، با فردی که نابینایی اش به علل غیرجنایی یا مادرزادی است، تفکیک قائل شد و انصراف روایات دال بر دیه کامل در یک چشم بینا را فردی دانست که نابینایی چشم دیگرش به علل غیرجنایی یا مادرزادی است و دلیل بر این مطلب این است که در حالت اول شخص یا عوض را در دنیا دریافت کرده یا اینکه با عفو کردن از آن گذشته است یا اینکه در اثر قصاص بوده که استحقاق آن را داشته است و اگر دیه کامل بر آن تعلق گیرد، شخص بیشتر از آن چیزی که استحقاقش را دارد، دریافت می‌کند.

اما آنچه در تحلیل مسئله مورد پژوهش منشأ اثر است، این است که باید دقت داشت که در روایات دال بر تعلق دیه کامل در از بین رفتن دو چشم، شارع بی‌شک آگاهی داشته که با از بین رفتن دو چشم، زوال منفعت آن (بینایی) نیز قطعی است و با وجود این تنها یک دیه کامل ثابت دانسته است. از این رو در تحلیل مسائل حول موضوع جنایت بر چشم و منفعت بینایی باید این مطلب مسلم را در نظر گرفت، که بی‌گمان شارع در از بین بردن همزمان دو چشم (خواه بینا و خواه نابینا) رضایتی به ثبوت بیش از یک دیه کامل ندارد. از این رو در جنایت منجر به از بین رفتن چشم بینا و نابینای فرد و جنایت منجر به از بین رفتن چشم نابینا و زوال بینایی چشم بینا، تنها رأی به ثبوت یک دیه کامل با مبانی فقهی سازگار است. بدین سبب به قانونگذار محترم پیشنهاد می‌شود تا مواد ۵۸۷، ۵۸۸ و ۶۹۱ قانون مجازات اسلامی به ترتیب زیر اصلاح شود و از این گذر، تمهیدات لازم برای قضات دادگاه‌ها به منظور صدور احکام منطبق با آموزه‌های فقهی را تأمین کند.

ماده ۵۸۷: «درآوردن و یا از بین بردن دوچشمی که حداقل یکی از آنها بینایی دارند، دیه کامل و درآوردن هریک از دو چشم بینا نصف دیه دارد. چشم‌هایی که بینایی دارند، در این حکم یکسان‌اند هرچند میزان بینایی آنها متفاوت باشد یا از جهات دیگر مانند شب‌کوری و منحرف بودن با هم فرق داشته باشند.»

ماده ۵۸۸: «درآوردن و یا از بین بردن چشم بینای کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی و یا به علل غیرجنایی از بین رفته باشد موجب دیه کامل است هرچند که همزمان با آن چشم نابینا نیز کنده شود، لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.»

ماده ۶۹۱: «از بین بردن بینایی چشم کسی که فقط یک چشم بینا دارد و چشم دیگرش نابینای مادرزادی بوده و یا در اثر علل غیرجنایی از بین رفته باشد، موجب دیه کامل است هرچند که همزمان با آن جرم چشم نابینایش هم از بین رود، لکن اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است، از دست داده باشد، دیه چشم بینا، نصف دیه کامل می‌باشد.»

کتابنامه

۱. اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وایسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. اصفهانی (مجلسی اول)، محمدتقی (۱۴۰۶ق). روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۳. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول، چ دوم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۴. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر (۱۴۰۶). ملاذ الأخیار، چ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره).
۵. تبریزی، جواد (۱۴۲۸ق). تنقیح مبانی الأحكام - کتاب الدیات، چ اول، تهران: دار الصدیقه الشهیده.
۶. جزائری، عبدالله (بی تا). التحفة السنیة، چ اول، تهران: محقق کتاب.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، چ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۸. حسینی روحانی، سید صادق (۱۴۱۲ق). فقه الصادق، چ اول، قم: دارالکتاب، مدرسه امام صادق (ع).
۹. حسینی عاملی، سید جواد (بی تا). مفتاح الكرامة، چ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق). المختصر النافع، چ ششم، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۱۲. خمینی موسوی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسیلة، چ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.

۱۳. خوانساری، سید احمد (۱۴۰۵ق). *جامع المدارک*، چ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۴. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). *مهذب الأحكام*، چ چهارم، قم: مؤسسه المنار، دفتر حضرت آیه‌الله سید عبدالاعلی سبزواری.
۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۲۹ق). *جامع أحادیث الشیعة*، چ اول، تهران: فرهنگ سبز.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحكام*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. طوسی، محمد بن علی بن حمزه (۱۴۰۸ق). *الوسیلة*، چ اول، قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی (ره).
۱۹. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام*، چ اول، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۲۰. عمانی، حسن بن علی (۱۴۱۳ق). *حیاء ابن ابی عقیل و فقهه*، چ اول، قم: مرکز معجم فقهی.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، چ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۲. مدنی کاشانی، رضا (۱۴۰۸ق). *کتاب الدیات*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). *فقه الإمام الصادق*، چ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
۲۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق). *مبانی تکملة المنهاج*، چ اول، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره).
۲۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام*، چ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۶. استفتا از دفاتر حضرات آیات حسینی خامنه‌ای، سیستانی، صافی گلپایگانی، شبیری زنجانی، وحید خراسانی، نوری همدانی، روحانی، علوی گرگانی.

۲۷. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ مجلس شورای اسلامی.

References

1. Ameli (Shahid Thani), Zeynaldin Ibn Ali(1992). *Masalek al- Afham*, 1nd Edition, Qom: Islamic Knowledge Foundation. (in Arabic)
2. Ardabili, Ahmad. (1982). *Majma al-Faidah and Al-Burhan*, 1nd Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
3. Coleyni, Mohammad Ibn Yaaghoob. (1986). *Al-Kafi*, 4nd Edition, Tehran: Islamic Books House. (in Arabic)
4. Helli (researcher), Jafar Ibn Hasan. (1987). *Sharae al- Eslam*, 2nd Edition, Qom: Ismaili Institute. (in Arabic)
5. Helli (researcher), Jafar Ibn Hasan. (1997). *Almokhtasar Alnafi*, 6nd Edition, Qom: Religious Press Foundation. (in Arabic)
6. Hor Ameli, Mohammad Ibn Hasan. (1988). *Vasael al- Shiah*, 1nd Edition, Qom: Al-Bayt Foundation, peace be upon them. (in Arabic)
7. Hosseini Ameli, Seyyed Javad. *Miftah al- Karamah*, 1nd Edition, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi. (in Arabic)
8. Hosseini Rouhani, Seyyed Sadegh. (1991). *Fiqh al-Sadiq*, 1nd Edition, Qom: Dar al-Kitab - School of Imam Sadiq (as). (in Arabic)
9. Isfahani (Majlis I), Mohammad Taghi. (1985). *Al-Muttaqin shrine in the explanation of not attending the jurisprudent*, 2nd Edition, Qom: Islamic Cultural Institute of Kushanbour. (in Arabic)
10. Isfahani (Second Majlis), Mohammad Bagher. (1983). *Merat al- Oghoul*, 1nd edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (in Arabic)
11. Isfahani (Second Majlis), Mohammad Bagher. (1985). *Malaz al-Akhyar*, 1nd Edition, Qom: Publications of the Library of Ayatollah Marashi Najafi (RA). (in Arabic)
12. Jazaeri, Abdollah. *Altohfah al-Sunniah*, Ch, 1nd Edition, Tehran: Book Researcher (in Arabic)
13. Khansari, Seyyed Ahmad. (1984). *Jame al-Madarek*, 2nd Edition, Qom: Ismaili Institute. (in Arabic)
14. Madani Kashani, Reza. (1987). *Kitab al-Diyat*, 1nd Edition, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
15. Mousavi Khoei, Seyyed Abolghasem. (2001). *Mabani Takmelat al- Menhaj*, 1nd Edition, Qom: Imam Al-Khoei Revival Foundation. (in Arabic)
16. Mousavi Khomeini, Seyyed Roohollah. *Tahrir al-Wasila*, 1nd Edition, Qom: Dar Al-Alam Press Institute. (in Arabic)
17. Mughniyeh, Mohammad Javad. (2000). *Fiqh al- Imam al-Sadiq*, 2nd Edition, Qom: Ansarian Institute. (in Arabic)
18. Najafi, M.ohammad Hasan. (1983). *Javaher al-Kalam*, 7nd Edition, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi. (in Arabic)
19. Omani, Hasan Ibn Ali. (1992). *Hayat Ebn Abi Oghail & Feghoh*, 1nd Edition,

- Qom: Center of the Fiqh Dictionary. (in Arabic)
20. Sabzwari, Seyyed Abdolala. (1992). *Mohazzab al- Ahkam*, 4th Edition, Qom: Al-Manar Institute - Office of Hazrat Ayatollah. (in Arabic)
21. Sheikh Saduq, Mohammad Ibn Ali Ibn Hamzeh. (1992), *Man La Yahzoroh al- Faghih*, 2nd Edition, Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in Arabic)
22. Tabatabai Boroujerdi, Hosein. (2008). *Jami Ahadith al- Shiah*, 1st Edition, Tehran: Farhang Sabz Publications. (in Arabic)
23. Tabrizi, Javad. (2007). *Tanqih Mabni al-Ahkam - Kitab al-Diyat*, Ch I, Tehran: Dar al-Sadiqa al-Shuhada. (in Arabic)
24. Tusi, Mohammad Ibn Hasan. (1986). *Tahzib al-Ahkam*, 4th Edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. (in Arabic)
25. Tusi, Mohammad Ibn Hasan. (1987). *Alvasilah*, 1st Edition, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publications. (in Arabic)
- * Istifta from the offices of Ayatollahs Hosseini Khamenei, Sistani, Safi Golpayegani, Shobiri Zanjani, Vahid Khorasani, Nouri Hamedani, Rouhani, Alavi Gorgani.
- * Islamic Penal Code approved on 01/02/2013 by the Islamic Consultative Assembly.

